فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره دهم، شماره‌ی ۳،زمستان ۱٤۰۰، صفحات ۱۲۵-۹۳

مقاله پژوهشی

بررسی رابطهٔ سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی و فرهنگی با میزان دین‌داریِ آیینی در بین استان‌های ایران

آرمان حیدری[۱]، حمید صداقت[۲]، حمیده دهقانی[۳]، ابراهیم فتاح پور[٤]

تاریخ دریافت: ۱٤۰۰/۰٦/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱٤۰۰/۰۹/۳۰

چکیده

بعد از ظهور، تشدید و گسترش مدرنیته، نسبت میان دین – دین‌داری و توسعه از ماندگارترین و شدیدترین چالش‌های فرهنگی، علمی، سیاست‌گذاری و امور روزانهٔ افراد بوده است. در ایران نیز، با وقوع دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی و ظهور تفکرات و جریان‌های دینی لیبرال و اصول‌گرای مذهبی این چالش ظهور و تشدید یافته است. در ایران، نسبت دین و مدرنیته و بحث‌ها و چالش‌های مربوط، بیشتر در سطح بینشی و یا در سطح پیمایشی خرد تحلیل و مطالعه شده‌اند. ازاین‌رو هدفِ مطالعهٔ حاضر بررسیِ رابطهٔ بین سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی و فرهنگی و میزان دین‌داریِ آیینی در سطح استانی است. روش پژوهش، روش اسنادی از نوع تحلیل ثانویه بوده است. ابتدا سطح توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی استان‌های مختلف و میزان دین‌داریِ آیینی آن‌ها محاسبه؛ سپس رابطهٔ بین دو متغیر بررسی گردیده است. خوشه‌بندی استان‌ها بر اساس شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی و دین‌داری با روش k- means cluster

[۱] دانشیار و عضو هیأت علمی بخش جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران (نویسندهٔ مسؤول).
armanhedari90@gmail.com

[۲] دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
hamidsedaghat40@yahoo.com

[۳] دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
dehghanih20@gmail.com

[٤] دانشجوی دکتری بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران.
ebrahimfattahpour@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

صورت گرفت. بر اساس نتایج تحقیق، در سطح انفرادی، به استثنای خراسان رضوی و کردستان، به ترتیب، همهٔ استان‌هایی که رتبهٔ بالاتری از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگیِ فرهنگی و اجتماعی دارند رتبهٔ پایین‌تری در میزان دین‌داری مناسکی دارند. همچنین در سطح تجمعی، نیز استان‌های با سطوح توسعه‌یافتگی پایین و متوسط میزان دین‌داری بالاتری از استان‌های توسعه‌یافته دارند؛ اما تفاوت دین‌داری استان‌های کمتر توسعه‌یافته با توسعه‌یافتهٔ متوسط و توسعه‌یافتهٔ متوسط با توسعه‌یافته از نظر آماری معنی‌دار نیست.

واژه‌های کلیدی: سطح توسعه، توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی، دین‌داری، استان‌های ایران.

مقدمه و بیان مسأله

دین در جوامع بشری جایگاه مهمی دارد و تقریباً تمام ابعاد جامعه شامل ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحت تاثیر آن قرار دارند(نس[1]، ۲۰۰۷: ۸۳). تجربهٔ تاریخی بشر نیز نشان می-دهد که در تمامی نقاط جهان و در تمامی طول تاریخ بشر، دین جزیی جدانشدنی از وجود نسل بشر بوده است (احمدی،۱۳۸۸: ۱۸). دین با دین‌داری متفاوت است. دین به معنیِ اعتقاد به قوای لاهوتی [2]و ماوراءالطبیعی و رعایت سلسله قواعد حقوقی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در زمینهٔ ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح است. اما دین‌داری، به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی و بیانگر پیروی پیروان یک دین از آن دین و از زیرمجموعه‌های آن است (همان:۲۰). دین و دین‌داری را می‌توان در رویکردهای علمی و فلسفی متعدد بررسی و تحلیل کرد. متناسب با رویکرد جامعه‌شناختی، دین و دین‌داری هم بر سایر جنبه‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارند، هم از تغییر و تحولات در سایر حوزه‌های اجتماعی اثر می‌پذیرند. از همان آغازپیدایش جامعه‌شناختی، یکی از مهم‌ترین ابعاد تفکری جامعه‌شناسان کلاسیک توضیح و تحلیل جایگاه، آثار و نوع دین و دین‌داری در جوامع مدرن بوده است. از همان موقع، دیدگاه اندیشمندان مربوط به مکاتب گوناگون مانند کنت ودورکیم (کارکردگرایی)، مارکس (تضاد) و وبر (تفهمی) به نسبت دین و مدرنیته متفاوت بوده است. برای مثال، وبر در کتاب *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، مذهب پروتستانتیسم و اخلاق کالونیسم را مهم‌ترین عامل شکل‌گیری روح سرمایه‌داری می‌داند. در مقابل، دورکیم و سایر نظریه‌پردازانِ توسعه، تمایز کارکردی و تخصصی نهادها را موجب کاهش کارکرد دین یا تغییر نوع دین‌داری می‌دانند(طاهری[3]، ۲۰۱۶ :۴۱).

[1] Shanjendu Nath
[2] theology
[3] Taheri

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در تحلیل‌های جامعه‌شناختیِ دین، نسبت دین و توسعه، در پرتوی اصطلاحاتی مانند دین و توسعه، دین و مدرنیته، فرآیند عرفی شدنِ دین[1] و توسعه، فرآیند تمایزیابی و دین و ... بحث و بررسی شده است. در دیگر جوامع، مانند ایران، نیز یکی از مهم‌ترین پدیده‌ها و چالش‌های مرتبط با بحث توسعه، پدیدهٔ دین، دغدغه و نگرانی نسبت به سرنوشت و رابطهٔ دین‌داری با توسعه بوده است. در ایران، در طول تاریخ و دوران معاصر، با وجود تنوع و فراز و نشیب‌های دین و مذهب، نخبگان و نهادهای دینی همواره از مؤثرترین نیروها، نهادها و کارگزاران در عرصه‌های زندگی اجتماعی بوده‌اند. فرآیندی که با ظهور انقلاب مشروطیت با چالشی جدی و جدید مواجه شد و عده‌ای راه رهایی از سنت را رهایی از دین دانستند؛ در مقابل، عده‌ای دیگر، تنها راه رشد و توسعه را در بازگشت به مذهب و هویت مذهبی جست‌وجو می‌کردند. با وجود این، در اواخر قرن بیستم که مدرنیته فرآیندی برگشت‌ناپذیر و معارض با دین شناخته می‌شد، ظهور انقلاب اسلامی با ماهیت دینی، یکی از زمینه‌های محرکِ بازاندیشیِ اندیشمندان و تحلیل‌گران خارجی و داخلی در خصوصِ ماهیت رابطهٔ دین و توسعه بوده است. هرچند با پیروزی انقلاب اسلامی، دین از طریق کنترل نهاد سیاست توانسته است بر گسترهٔ وسیعی از زندگی اجتماعی سایه افکند؛ اما، دیدگاه اندیشمندان و سیاست‌گذاران در خصوص نسبت دین و توسعه یکسان نیست. به‌طورکلی و در ایران در خصوص نسبت دین و مدرنیته می‌توان چهار رویکرد سازگاری، جدایی، ناسازگاری و تعامل این دو[2] را از هم متمایز کرد. بعد از انقلاب اسلامی، نیز دو نگرش عمده در صحنهٔ ادبیات توسعه، تحت دو عنوان نگرش نئومدرنیزاسیونی به توسعه و نگرش بومی- مذهبی به توسعه بروز کرد. در نگرش اول، توسعه، اصل بود و هواداران آن با دیدی ابزاری به مذهب می‌نگریستند. از نظر این گروه، مذهب باید در خدمت توسعه قرار گیرد و روند آن را تشدید نماید. طرفداران نگرش بومی- مذهبی معتقد بودند که اهداف توسعه باید بر اساس ویژگی‌های خاص ایران، از جمله ارزش‌های مذهبی تعریف شود. این نگرش معتقد بود که مذهب شیعی در ایران اصولا یک مذهب منفعل در مقابل توسعه نیست بلکه جهت‌گیری‌های فعالی در خصوص نحوهٔ زندگی این جهانی دارد (علی قنبری،۱۳۹۷: ۳۰).

می‌توان گفت در ایران نوعی ابهام شناختی و عملی در پیوند دین و توسعه به طور کلی وجود دارد. به لحاظ نظری این امر می‌تواند به دلیل اشتراک مفهومی و ماهیتِ غایت‌انگارانهٔ

[1] Secularization

[2] البته محققان ضمن اذعان به تفاوت مفاهیم توسعه و مدرنیته، در این مقاله در بخش‌های نظری مقاله این دو اصطلاح را معادل هم در نظر گرفته‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مفاهیم توسعه و دین باشد؛ زیرا هر دو تصویری از یک جهان ایده‌آل را برمی‌سازند. به عنوان مثال مسلمانان بر این باورند که هدف نهایی زندگی بازگشت بشریت به خالق خود در حالت خلوص است (ترهار[1] ،۲۰۰۹ :۳۶). توسعه[2] نیز اصطلاحی است که برای یک تحول جدید و بی‌سابقه وضع شده و تا حدی بیانگر فرآیند انتقال جامعه از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن و دگرگونی-های نهادی و ارزشی همراه آن محسوب می‌شود

(علی‌قنبری،۱۳۹۷: ۲۶). این ماهیت غایت‌انگارانه و وعدهٔ حرکت به سمت یک جامعهٔ ایده‌آل، سطح انتظارات بشر را از هر دو مفهوم به گونهٔ شگفت‌انگیزی بالا برده است. آن‌چه لزوم ارزیابی تجربیِ رابطهٔ نسبت دین و توسعه را دوچندان می‌سازد این است که بیشتر مباحث مربوطه تئوریک بوده و این رابطه کمتر به صورت تجربی و در سطح جامعوی[3] مورد ارزیابی قرار گرفته است. مطالعات تجربی موجود نیز به نگرش‌سنجی افراد در سطح خرد پرداخته‌اند. مهم‌تر اینکه، نتایج این تحقیقات نیز تا حد زیادی با هم متعارض و ناسازگارند؛ ناسازگاری که شاید تا حد زیادی به استفاده و استناد به شواهد متفاوت و ابتنای بر نقطه نظرات گوناگون مربوط می‌شود (برای مثال رجوع شود به قنبری‌نیک، ۱۳۸۸؛ شجاعی زند،۱۳۸۶). در خصوص میزان دین‌داری، مطالعات به کاهش میزان دین‌داری جوانان ایرانی (میرفردی و دیگران، ۱۳۹۶)؛ تغییر دین و گرایشات دینی (زارع و هاشمی،۱۳۹٤)؛ و دینی بودن جامعهٔ ایران (قادری و زارع: ۱۳۹۰، زارع: ۱۳۹۱ ؛ غیاثوند، ۱۳۹۵) اشاره کرده‌اند. تحقیقات دیگری نیز به کم اهمیت شدنِ بعضی از ابعاد دین‌داری مانند نماز و روزه و شرکت در نماز جماعت و نماز جمعه و کاهش اعتماد به روحانیون اشاره کرده‌اند (سراج‌زاده و دیگران، ۱۳۸۳ :۱۲۱؛ غیاثوند، ۱۳۹۵؛ نوع‌دوست و مایلی،۱۳۹۷؛ رفیع پور،۱۳۹۳: ۵۸).

مسألهٔ مهم دیگر در این حوزه به " یکدست[4]" فرض نمودنِ جامعهٔ ایران و غفلت از تنوعات گوناگون جغرافیایی، تاریخی، مذهبی، فرهنگی، و سطح توسعه‌یافتگیِ متفاوت استان‌ها و نواحی مختلف ایران است. به تعبیری، تحت تأثیر پیش فرضِ مسلطِ انگارهٔ ملت، به عنوان "یک واحد فرهنگیِ مسلط، تفاوت‌های خرده‌فرهنگی مهم و تأثیرگذار در درون یک کشور" نادیده گرفته می‌شود (سینگ،۲۰۱۲). از این منظر در نظر گرفتن تنوعات درون جامعه‌ای مهم است و "تعمیم-سازی‌ها" در خصوص ارزش‌های فرهنگی نمی‌تواند رویکرد مناسبی برای رابطهٔ دین‌داری و

[1] ter Haar
[2] Development
[3] societal
[4] uniform

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

توسعه تلقی شود. برای مثال در شهر مشهد به‌عنوان محل استقرار بارگاه امام هشتم شیعیان و مشهور به شهری مذهبی، تحقیق امیری و ماسوله(۱۳۹۵) بیانگر ظهور نوعی دین‌داری گزینشی در میان دختران جوان این شهر بوده است. یا در شهر قم، به‌عنوان محلِ اجتماع طلاب حوزوی و علمای دینی، پژوهش کرم‌الهی (۱۳۹۲) بیانگر التزام نسبتاً بالای پاسخ‌گویان به اعتقادات دینی[1]، اخلاق[2] و تکالیف فردی و در مقابل التزام نسبتاً پایین آن‌ها به عبادت جمعی، احکام سیاسی و مشارکت دینی بوده است. اما در شهر ساری، پژوهش کلانتری (۱۳۹۱)، بیانگر تفاوت بین نسلی وضعیت دین‌داری بوده است. بر اساس موارد گفته شده در این تحقیق، محققان سعی نموده‌اند تا به صورت تجربی، در سطح استانی، رابطهٔ نسبت توسعه‌یافتگیِ اجتماعی–فرهنگیِ استان‌ها با میزان دین‌داریِ مناسکی آن‌ها را تحلیل و ارزیابی نمایند[3]. برای تعیین سطح توسعه‌یافتگیِ استان‌ها نیز، محققان برخلاف تحقیقات پیشین که به بررسی سطح کلیِ توسعه یا تنها بعد اقتصادیِ توسعه متمرکز شده‌اند (هوشنگی،۱۳۸۹؛ شجاعی زند،۱۳۸٦؛ طالبان و بهابادی،۱۳۹۰)؛ (فرجی و کاظمی،۱۳۸۸؛ غیاثوند، ۱۳۹۵؛ عباس‌زاده و دیگران،۱۳۹۵) به شناسایی و تحلیل رابطهٔ شاخص‌های چندگانهٔ توسعه با دین‌داریِ آیینی پرداخته‌اند. بر این اساس، رابطهٔ بین ابعاد فناوری اطلاعات و ارتباطات، توسعهٔ آموزشی، توسعه فرهنگی و توسعهٔ اجتماعی با شاخص‌های آیینیِ دینداری مانند شرکت در نماز جمعه، نماز جماعت، جشن‌ها و اعیاد مذهبی، دعا و نیایش، مجالس قرآن، سفره‌ها و جلسات مذهبی و اماکن مذهبی بررسی و تحلیل شده است.

پیشینهٔ تجربی پژوهش

تعداد قابل توجهی از مطالعات پیشین داخلی، مطالعات نظری‌اند مانند موسوی ثمرین(۱۳۹۲) که با روش تحلیلی – تاریخی به بررسی رابطهٔ دین و توسعه پرداخته؛ یا قنبری‌نیک(۱۳۸۸) که در پی تحلیلِ نسبت دین با دنیای جدید بوده است. طشت‌رز، حیدری و رصاف (۱۳۹۱)، نظریات گیدنز در باب دین را تحلیل کرده‌اند. طالبان و بهابادی (۱۳۹۰)، بر اساس یکی از معدود پژوهش‌های تجربی در این حوزه، می‌گویند ارتباط مستحکمی میان سطح

[1] Religious beliefs
[2] Ethics
[3] انتخاب بعد مناسکی متأثر از محدودیت منطقی و روش شناختی روشِ تحلیل ثانویه بوده است. زیرا در این روش، داده‌ها توسط دیگران جمع‌آوری شده‌اند و از این نظر محقق ناچار است بر اساس ماهیت داده‌های موجود تحلیل خود را انجام دهد. در تحقیق مورد نظر، تنها اطلاعات بعد دین‌داری مناسکی موجود بوده است. بدون شک هرچند این از محدودیت‌های تحقیق محسوب می‌شود؛ ولی چنین وضعیتی به معنای نادیده گرفتن اهمیت سایر ابعاد دین‌داری و توجه ویژه به بعد مناسکی در این تحقیق از نظر محققان نیست.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

توسعهٔ اقتصادی- اجتماعی و نابرابری اقتصادی با میزان دین‌داری وجود ندارد. گروهی دیگر از پژوهش‌ها، به سنجش دین‌داری در میان اقشار مختلف به‌عنوان مثال دانشجویان(عبدی و رضایی،۱۳۹۳) یا معلّمان (اعزازی و ابراهیم‌پور،۱۳۹۶) پرداخته‌اند. دسته‌ای دیگر، ارتباط دین‌داری را با متغیرهای دیگری غیر از "توسعه" بررسی کرده‌اند (محبوبی، ۱۳۹٤؛ قدرتی میرکوهی و خرمایی، ۱۳۸۹؛ نصر اصفهانی و دیگران، ۱۳۹۷).

در مطالعات خارجی، نتایج مطالعهٔ ایوم[1](۲۰۱۱) نشان می‌دهد که متغیرهای مذهبی تأثیر معنی‌دار و مداوم بر رشد اقتصادی نداشته‌اند. نوراچمی[2] (۲۰۱٦) به این نتیجه می‌رسد که دین با شکل دادن به ارزش‌ها و نگرش‌های فردی، خصوصاً از نظر صداقت، اخلاق کار و اعتماد در تقویت اقتصاد، نقش دارد. شانژندو نات [3](۲۰۱۵) بیان می‌کند که دین انسان‌ها را در تحلیل پدیده‌های علمی، ناکام می‌گذارد و اگر دین نهادی از جامعه ریشه‌کن شود، مردم با آرامش زندگی می‌کنند. نتایج پژوهش ایلکه دو جونگ [4](۲۰۰۸) نیز حاکی از این است که هیچ مذهبی به طور خاص طرفدار یا مخالف توسعه نیست و همهٔ دین‌ها الگوهای مشابهی دارند. طاهری[5] (۲۰۱٦) در مطالعه‌ای دیگر نقش ادیان پروتستانتیسم، توکوگاوا و اسلام را در توسعهٔ جوامع بررسی کرده است. این پژوهش ضمن تردید در دیدگاه وبر مبنی بر این که پروتستان تنها مکتب پیشرفت برای جوامع است، با استفاده از دین توکوگاوا، قصد دارد تا کارآیی اسلام را در پیشرفت جوامع توضیح دهد. وی در پاسخ به این سؤال که چرا جوامع مسلمان به اندازهٔ جوامع غربی توسعه نیافته‌اند؟ به این نتیجه می‌رسد که دلایل مهم عدم پیشرفت در کشورهای اسلامی مواردی از قبیل: عدم عمل به اسلام پس از پیامبر اکرم، انحراف از اسلام اصلی و ترجیح منافع خود بر منافع دیگران است. آجاگبو[6] (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای خاطرنشان می‌کند که دین و توسعه ظاهراً جدایی‌ناپذیرند. با این حال، رابطهٔ دین و توسعه احتمالاً تا زمانی که اعتقادات و اعمال مذهبی باعث ارتقا و نه افراط می‌شود، مکمل یکدیگر هستند. همچنین نباید هیچ تعصبی علیه هر مذهبی ایجاد شود؛ زیرا مطالعات انجام شده تاکنون نتوانسته‌اند برتری یک دین واحد نسبت به دیگران را از نظر عملکرد اقتصادی و تغییرات رفتاری بر جامعه به اثبات رسانده باشد. هم‌زیستی مسالمت-آمیز گروه‌های مختلف مذهبی (یا فرقه‌ها) در یک کشور و ملل مختلف با وابستگی‌های مختلف مذهبی در جامعهٔ جهانی پیش شرط لازم برای رشد و شکوفایی در دنیای بسیار بهم پیوستهٔ امروز

[1] Eum
[2] Nurrachmi
[3] Shanjendu Nath
[4] Eelke de Jong
[5] Taheri
[6] Ajaegbu

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

است. نکتهٔ مهم این است که در بیشتر مطالعات خارجیِ انجام شده در این حوزه، تنها به شاخص اقتصادی توسعه و رابطهٔ آن با دین و دین‌داری پرداخته‌اند و تقریباً هیچ تحقیقی در خصوص ارتباط دیگر ابعاد توسعه با دین نبوده یا حداقل توسط نگارندگان پژوهش حاضر دیده نشده است. مهم‌تر آنکه در مطالعات داخلی و خارجی اکثر پژوهش‌ها، متأثر از وبر، دین را به عنوان متغیر مستقل و محرک توسعه در نظر گرفته‌اند؛ تا اینکه شاخص‌های توسعه را زمینه‌ساز دگرگونی دینی در نظر بگیرند.

چارچوب نظری پژوهش

دربارهٔ ماهیت رابطهٔ دین و توسعه، عده‌ای معتقدند دین و توسعه، دو مقولهٔ جدا از هم‌اند، چراکه دین متوجه آموزه‌های غیر ملموس و مأورایی است، اما توسعه یک امر اجتماعی و عینی است. در مقابل، بر اساس اعتقاد به تعاملات دین و توسعه، کسانی معتقدند بخشی از توسعه متوجه دین است و چه بسا زمینه و منشأ توسعه در ابعاد گوناگون، دین باشد (قنبری نیک،۱۳۸۸: ۱۹). به هر حال چالش و برخورد دین و مدرنیته یکی از دیرپاترین منازعات مورد توجه اندیشمندان بعد از قرون وسطی بوده است. در این خصوص، اکثر نظریه‌های اجتماعی مبتنی بر روشنگری مدعی بودند دین با ظهور و تشدید مدرنیته افول می‌یابد؛ اما وقایع دینی بعد از دههٔ ۱۹۸۰ در سراسر جهان، از جمله ایران، بیانگر توجه به ظهور مجدد دین در صحنهٔ اجتماعی بوده است (هربرت،۲۰۰۳). این وضعیتِ دوگانهٔ انتظار دنیوی‌شدنِ ناشی از"نوسازی" و تشدید گسترش جهانی آن؛ و هم‌زمان خیزش و سرزندگی جدید و مداوم سنت‌های دینی، موجب سردرگمی محققان و نظریه‌پردازان شده است(همان). در مجموع، توصیف و تحلیلِ روند کلی وضعیت دین در عصر مدرنیته تا حد زیادی با مفهوم "عرفی شدن دین[1]" گره خورده است که ضمن وجود تعابیر متفاوت از آن، در مجموع بیانگر نوعی ناسازگاری کلی بین مدرنیته و دین است که در اهمیت نزولی دین برای جامعه و افراد آشکار می‌شود و منجر به افزایش بی‌تفاوتی مذهبی و احتمالاً حتی الحاد می‌شود (مولر[2]،۲۰۱۱ :۳٤). سه شاخص مهم "تمایزیابی، عقلانی‌شدن و این جهانی‌بودن" را از عناصر اصلی پارادایم **عرفی‌شدن دین** می‌دانند (هربرت،۲۰۰۳). در این راستا، بروس و والیس، سه ویژگی برجستهٔ مدرنیزاسیون را در ظهور دنیوی‌شدن دخیل می‌دانند: تمایز اجتماعی، جامعه‌پذیری و عقلانی‌شدن. با این وجود در مواقعی فرآیندهایی مانند "دفاع فرهنگی و انتقال فرهنگی" که توسط همان فرآیندهای مدرنیزاسیون به وجود می‌آیند، نتایج

[1] secularization
[2] Müller

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

معکوسی را به وجود می‌آورند (هربرت،۲۰۰۳). بر این مبنا نمی‌توان گفت پیامدهای دینیِ ظهور و تشدید روند مدرنیته و توسعه در همهٔ مکان‌ها و زمان‌ها همانند و یکسان است. به عبارتی، شاید این روند کاهشی دین با مدرنیتهٔ غربی سازگار باشد؛ اما با ورود مدرنیته به جهان اسلام، مسائلِ اساسی دینی، فرهنگی و اجتماعی به وجود آورد و به شکل‌گیریِ انواع گفتمان‌های پذیرش، مقاومت و انطباق در برابر آن انجامید که تاکنون ادامه دارد (غیاثوند،۱۳۹۲: ۷۳).

علاوه بر مفهوم عرفی شدن دین، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های فلسفی، مفهومی، تحلیلی و روش‌شناختیِ حوزهٔ مطالعات دینی به "تعریف دین" مربوط است (هانت،۲۰۱۳). دو دسته تعاریف کلیِ "ذاتی[1] و کارکردی[2]" از دین وجود دارد که به ترتیب بر "باورهای دینی" و "آن‌چه که دین در یک دورهٔ زمانی خاص انجام می‌دهد"، تمرکز دارند(همان). همچنین، تعریف جوامع غربی مدرن از مذهب به طور کلی متفاوت از تعاریف جوامع اسلامی است. در آنجا دین اغلب به طور انحصاری با تعریف نهادی آن، که ناشی از تاریخ کلیساهای مسیحی در اروپا است، معادل است. تعاریفی که لزوماً نیاز به اعتقاد به موجودات نامرئی مانند خدایان یا ارواح ندارند (ترهار ۲۰۰۹: ٦۹). در مقابل، در جوامع اسلامی دین بخش گریزناپذیر تمام قلمروی زندگی اجتماعی و فردی تلقی می‌شود. ابهام مربوط به تعریف مدرنیته و دین به ابهام و چندگانگی در خصوص پیش بینی و تحلیلِ ماهیت و نوع رابطهٔ توسعه و دین‌داری انجامیده است[3]. تا جایی که می‌توان گفت تغییر در جهت‌گیری‌های دینی و ظهور جنبش‌هایی با ماهیت دینی در چند دههٔ گذشته، موجب بازبینی در بیشتر تفکرات و دیدگاه‌های نظری دوران مدرن اولیه در خصوص رابطهٔ دین و توسعه شده است. در مجموع مهم‌ترین رهیافت‌ها برای بررسی وضعیت دین‌داری در جهان جدید، رهیافت‌های پست مدرنیته، تئوری‌های انتخاب عقلانی، جهانی‌شدن و دین هستند (هانت،۲۰۱۳). ازاین‌رو، برخلافِ وحدت نظر اندیشمندان کلاسیک مبنی بر زوال تدریجی اهمیت دین و اینکه مرگ دین [4]حکمت مرسوم علوم اجتماعی بود؛ در طول دههٔ گذشته، تزِ مرگ آرام و پایدار دین مورد انتقاد روزافزون قرار گرفته است ([5]نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰٤ :۹۳). امروزه، استارک[6] و بن بریج [7]، از اجتناب‌ناپذیری دین؛ رابرت بلا[1] از آبستنی جامعهٔ مدرن و دیگر جوامع از حوادث و

[1] substantive
[2] functional
[3] البته مسلم است که مفاهیم مدرنیته و توسعه مترادف نیستند ولی در اینجا محققان ضمن آگاهی به تفاوت این دو مفهوم، برای ارزیابی و تحلیل نظری بحث، آن‌ها را معادل هم در نظر گرفته‌اند.

[4] Death of religion
[5] Norris and Inglehart
[6] Stark
[7] Ben Bridge

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

رویدادهای دنیی و اندریو گریلی [۲] بر مقاومت و رشد روزافزون دین‌داری صحبت می‌کنند (یوسف‌زاده،۱۳۸۸: ۱٤۷). همچنین نشاط دینی، ادامهٔ محبوبیت کلیساهای مذهبی در ایالات متحده، ظهور معنویت عصر جدید در اروپای غربی، رشد جنبش‌های بنیادگرایی و احزاب مذهبی در جهان اسلام و احیای انجیل شاخص‌های ناصحیح بودگی نظریهٔ زوال دین شناخته می‌شوند (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰٤ : ۱۰۱؛ هانت، ۲۰۰۳: ۳-۱). در اینجا، به اختصار و به صورت ویژه، متناسب با هدف مقاله، مباحث نظری پیرامون نسبت بین توسعه و دین‌داری ارائه می‌شود.

در بین کلاسیک‌های جامعه‌شناسی، دورکیم و وبر، بیشتر از بقیه به بحث رابطهٔ دین و توسعه پرداخته‌اند. دو نظریه‌پردازی که با داشتنِ رهیافت‌های متفاوت، دو نوع تعریف متفاوت ذاتی(وبر) و کارکردی (دورکیم) از دین ارائه داده‌اند. با این وجود هر دو مدعی بودند دین در اثر "عقلانی-شدن جهان" (وبر) و "تمایز روبه رشد تخصصی و کارکردی" (دورکیم) اهمیت گذشته خود را از دست می‌دهد یا در اشکال جدیدی بروز و نمود می‌یابد[۳]. همان‌گونه که مشخص است در چنین نظریه‌هایی دین در تحلیل وبری به عنوان متغیر اثرگذار و در تحلیل دورکیمی به عنوان متغیر اثرپذیر مورد تحلیل قرار گرفته است. ازاین‌رو هر یک از متغیرهای دین و توسعه در سطح تحلیلی و تجربی می‌توانند به عنوان متغیر مستقل یا وابسته تلقی شوند. در این مقاله، متأثر از منطق نظری مقاله، توسعهٔ زمینه‌سازِ دگرگونیِ دین‌داری فرض می‌شود[٤].

پیتر برگر، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان دین که ابتدا سکولار و عرفی شدن[٥] را سرانجامِ محتوم مدرنیته می‌دانست؛ بعد از مطالعهٔ جوامع آسیایی با طرح بحثِ "سکولارزدایی-شدن[٦]"، در بینش سابق خود تجدید نظر کرد[۷]. استیو بروس[۱]، مخالف با برگر، استدلال می‌کند که

---

[1] Robert Bella

[2] Andrew Greeley

[۳] وبر در کتاب اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری؛ و دورکیم در کتاب بنیان‌های صور دینی به صورت مبسوط به این مباحث پرداخته‌اند. البته نظریه‌پردازان دیگری مانند ماکسیم رودنسون در کتاب اسلام و سرمایه‌داری؛ یا زومبارت در کتاب یهودیت و سرمایه‌داری به این مباحث پرداخته‌اند.

[٤] برای مثال در کتاب‌های اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری ماکس وبر؛ یهودیت و سرمایه‌داری زومبارت؛ یا اسلام و سرمایه‌داری ماکسیم رودنسون نقش دین در توسعه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

[٥] Secularization

[٦] desecularization

[۷] برای بحث مبسوط در این خصوص به کتاب چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولارشدن، سید حسین سراج زاده، ۱۳۸٤، نشر طرح نو مراجعه شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تحت تأثیر متلاشی‌کنندهٔ تمایز اجتماعی و اقتدار رو به زوال ادعاهای حقیقت دینی، عرفی شدن دین در سطح باورهای فردی، امری گریزناپذیر است (مولر،۲۰۱۱: ۲٤). بروس، نیز، معتقد است توسعهٔ علم و فناوری باعث تسلط انسان بر حیطه‌هایی شده است که روزگاری رازآلود بودند. هرچند علم و فناوری به خودی خود انسان مدرن را ملحد نکرده است؛ اما فرضیات زیربنایی‌اش که در عقلانیت خلاصه می‌شود، انسان معاصر را کمتر از پیشینیان مستعد پذیرش انگاره‌های الهی ساخته است (بروس، ۲۰۰۲ به نقل از طالبان و بهابادی، ۱۳۹۰). هیلاس[2] به گونه‌ای متفاوت، استدلال می‌کند که از هم گسیختگیِ امور یقینی[3] مدرنیته زمینه را برای بازگشت "دینِ پست-مدرن" که نوعی عرفان و معنویت عصر جدید است، فراهم می‌کند. به تعبیر او، این "ادیان مربوط به خود[4]" برای پرکردن خلأ معنوی و برآوردن نیازِ به معنا، ظهور یافته‌اند (هانت، ۲۰۰۲: ٤۰).

گیدنز را گرچه نمی‌توان یک جامعه‌شناس دین به معنای اخص نامید، اما به تبیین نوع و ماهیت دین‌داری در زمینه‌های اجتماعی متفاوت سنتی، مدرنیته و مدرنیتهٔ متأخر پرداخته است. در جوامع سنتی، تهدیدهای خطرات طبیعت اغلب از طریق رمزها و نمادهای دینی تجربه می‌شوند. در جوامع مدرن، دانش، جایگزین کیهان‌شناسی[5] دینی می‌شود. گیدنز در این جا دیدگاه تا حدودی سنتی از نقش دین در جوامع مدرن را ارائه می‌دهد، جایی که گمان می‌رود اهمیت دین در جوامع جدید تقلیل یافته است. اما، سست‌شدن اعتقاد علمی، ظهور مشکلات اخلاقی، شک و ناامنیِ ذاتی فراگیر در عصر مدرنیتهٔ متأخر، می‌توانند زمینهٔ بازگشتِ دین را فراهم کنند. به تعبیر وی، در مدرنیتهٔ تشدیدیافته، دین با تمام قوا به درون معرکه بازگشته است (فورسس و همکاران، ۲۰۰٦: ۳۳). هرچند این باز ظهور، به معنای احیای اشکالِ سنتی دین نیست (طشت‌رز و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۲).

اینگلهارت [6] به طور مستقیم به نظریه‌پردازی و ارزیابیِ تجربیِ رابطهٔ توسعه‌یافتگی و دین-داری پرداخته است. به نظر وی، اهمیت دین‌داری در بین جمعیت‌های آسیب‌پذیر که با فقر روبه-رو هستند، به‌شدت پابرجاست. به‌عبارتی احساس آسیب‌پذیری، عامل اصلی تحریک دین‌داری است و روند عرفی شدن دین، به وضوح در بین مرفه‌ترین بخش‌های جامعه رخ داده است. اما علی‌رغم روند سکولاریزه شدن در کشورهای ثروتمند، این بدان معنا نیست که جهان به طور کلی

[1] Steve Bruce
[2] Heelas
[3] certainties
[4] Self- religions
[5] Cosmology
[6] Ronald Inglehart

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کمتر مذهبی شده است (اینگلهارت و نوریس، ۲۰۰٤: ۷۵). سنگ بنای نظریهٔ اینگلهارت این است که ملل ثروتمند و فقیر جهان از نظرِ سطح توسعهٔ پایدار انسانی، نابرابری اقتصادی و اجتماعی و شرایط اساسی تأمین‌کنندهٔ امنیت بشر و آسیب‌پذیری در برابر خطرات به شدت با هم متفاوت‌اند. ساکنان ملل فقیر همچنان مستعد مرگ زودرس و مهم‌تر از همه بیماری‌های ناشی از گرسنگی هستند. اقتصادهای فقیرنشین کشاورزی به جوامع صنعتی متوسط تبدیل می‌شوند و سپس به سمت پیشرفت به جوامع ثروتمندتر پساتولیدی پیش می‌روند؛ وضعیتی که موجب بهبود امنیت انسانی و کاهش عدم اطمینان و خطرهای روزمره برای بقای مردم این جوامع می‌شود (همان: ۸۹). روندی که می‌تواند به رفاه اقتصادی‌ای بینجامد که شرط لازم، اما غیر کافی، برای ایجاد امنیت حیاتی جوامع جهان سوم است. شرطِ مکملِ رفاه اقتصادی، برابری اقتصادی و اجتماعی است. این دو شرط با هم زمینهٔ امنیت پایه را فراهم می‌کنند که به نوبهٔ خود به دنیوی‌شدن و کاهش دین-داری می‌انجامد (همان: ۹٦). اینگلهارت پیش‌بینی می‌کند که اهمیت رو به کاهش ارزش‌های دینی در ملل پساصنعتی[1] به نوبهٔ خود باعث از بین رفتن مشارکت منظم در آیین‌های دینی شده که نمونهٔ آن حضور در آیین‌های عبادی و مشارکت در نماز است. همچنین پیش‌بینی می‌شود که بیشترین کاهش در مشارکت مذهبی در کشورهای ثروتمند و امن رخ خواهد داد، جایی که اهمیت دین بیشتر از همه محو شده است. در مقابل، از آنجا که ارزش‌های مذهبی بخشی اساسی از زندگی روزمرهٔ مردم در جوامع فقیر زراعی هستند، انتظار می‌رود مردم این مناطق در نماز عبادی بیشترین فعالیت را داشته باشند (همان: ۱۰۱).

هرچند رابطهٔ توسعه و دین به اختصار مورد بحث قرار گرفت؛ اما بر اساس ادعاهای نظری می‌توان گفت هنوز هم "تعمیم‌بخشی و کلی‌گویی‌های نظری" در خصوص رابطهٔ توسعه و دین-داری نمی‌توانند مبنای داوری پیرامونِ نوعِ رابطهٔ توسعه و دین‌داری در سطحِ واقعیت‌های تجربیِ و انضمامیِ متفاوت در سطوح و ابعاد چندگانه باشند. مطالعهٔ اینگلهارت نیز با وجودِ اهمیتِ منطقِ تطبیقی و سطحِ تجربی بودنش، در سطح بین جامعه‌ای است و از نظر روش‌شناسی نقایص خاص خود را دارد (مانند تعداد نمونه، روش نمونه‌گیری، شاخص‌های سنجش دین‌داری و ...). با وجود این، نظریه‌های یاد شده تا حدودی می‌توانند به مکانیسم رابطهٔ دین و توسعه در سطح استانی به ما کمک کنند. در این راستا مطالعهٔ حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که رابطهٔ توسعه‌یافتگی و ابعاد آن با دین‌داریِ آیینی در بین استان‌های ایران چگونه است و چه وضعیتی دارد.

[1] Post-industrial

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، به لحاظ هدف، پژوهشی تحلیلی – نظری و از لحاظ تجزیه‌وتحلیل داده‌ها، کمی است. واحد تحلیل، استان‌های کشور می‌باشد. روش مورد استفاده، روش تحلیل ثانویه بوده است که مزایا و محدودیت‌های خاص خود را دارد. مزایا دسترسی آسان و سریع محقق به حجم انبوهی از داده‌ها است؛ اما محدودیت اساسی آن لزوم استفاده از شاخص‌ها و داده‌هایی است که دیگر محققان برای دیگر مقاصد علمی به‌دست آورده‌اند. بر این اساس، در مطالعهٔ حاضر نیز ضمن وقوف به چند بعدی بودن دین‌داری و مهم بودنِ همهٔ ابعاد دین‌داری مانند دین‌داریِ اعتقادی، آیینی(مناسکی)، تجربی، فکری و پیامدی در تحلیل میزان دین‌داری؛ محققان با توجه به موجودیت صرف داده‌های مربوط به دین‌داری مناسکی، تنها توانسته‌اند ارتباط شاخص‌های توسعه با این بُعد از دین‌داری را تحلیل کنند. به منظور تعیین میزان سطح توسعه‌یافتگیِ اجتماعی، فرهنگی و دین‌داری استان‌ها، ازداده‌های کمی و سنجش‌پذیر توسعه که از طریق اسناد پژوهشی پیمایش ملی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، سال نامه‌های آماری ۱۳۹۵-۱۳۹۰، سازمان برنامه و بودجهٔ کشور به دست آمدند، استفاده شد. نمرات دین‌داری استان‌ها نیز بر اساس پیمایش ملی ۱۳۹۰ محاسبه شد. در پیمایش ملی دین‌داری هر استان با ۵۰۰ نفر نمونه از طریق طیف لیکرت در دامنه-ای از کاملاً مخالفم (نمره۱) تا کاملاً موافق (نمره۵) یا از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵)) برآورد شده بود. پژوهشگران برای به‌دست آوردن نمرهٔ دین‌داریِ آیینی هر استان، ابتدا با محاسبهٔ درصدهای پاسخ‌گویان مربوط به هریک از گزینه‌های چندگانه، فراوانی هر مقوله را محاسبه و سپس بر اساس ارزش‌گذاری داده‌ها را مجدداً وارد محیط spss نموده و آن‌ها را برای انجام آزمون‌های آماری پردازش نمودند. بدین صورت که اگر برای مثال، ۲۵ درصد گزینه کاملاً موافقم را انتخاب کرده بودند، برای تعیین نمره و فراوانی مورد نظر جهت وارد کردن به spss از فرمول زیر استفاده شد.

$$W=\frac{x}{100} * y$$

W= تعداد پاسخ‌گویان انتخاب‌کنندهٔ گزینه‌های هر سؤال (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم).

x= درصد پاسخ‌گویان انتخاب‌کنندهٔ هر یک از گزینه‌ها (کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم)

y= تعداد کل پاسخ‌گویان هر استان (۵۰۰ نفر)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در مجموع ۱۵۵۰۰ پاسخ‌گو در تمام استان‌های کشور به گویه‌ها پاسخ داده بودند که سهم هر استان ۵۰۰ نفر بوده است. برای تعیین وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌ها نیز اطلاعات مربوط به شاخص‌ها و شاخص‌های فرعی توسعه از طریق نتایج سرشماری و رتبه‌بندی استان‌ها توسط سازمان برنامه و بودجهٔ کشور استخراج گردید (جدول ۱). مهم‌ترین زیرساختارهای مورد بحث در این مقاله، زیرساختارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات، آموزش، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. اولین زیرساختار شامل شاخص توسعهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات،[1] می‌باشد. فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) به همهٔ فناوری‌های توسعه‌یافته مبتنی بر کامپیوتر برای مدیریت و انتقال اطلاعات اشاره دارد (منتظر،۱۳۹۷: ۱۲۷). توسعهٔ آموزشی را هر نوع تغییر در کمیت و کیفیت آموزش می‌دانند که باعث افزایش توانمندی نیروی انسانی شود (فریزر و همکاران، ۲۰۱۰، بروملی، ۲۰۱۰). توسعهٔ اجتماعی فرآیندی از تغییرات است که به بهبود در بهزیستی و روابط اجتماعی منجر می‌شود که منصفانه‌تر و با اصول حکومت دموکراتیک و عادلانه سازگارتر است (جغتایی، ۱۳۹۵: ۵۷). توسعهٔ فرهنگی فرآیندی کیفی و ارزشی است که برای ارزیابی آن از نشانگرهای کمی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای دست‌یابی به اهداف توسعه در قالب کالاها و خدمات فرهنگی استفاده می‌شود (بیگ محمدی،۱۳۹٦: ٥٤). لازم به ذکر است که آن‌چه در نهایت به‌عنوان توسعه‌یافتگی فرهنگی-اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته؛ به لحاظ آماری تجمیعی از پنج زیرشاخص نام‌برده است که داده‌های آن‌ها موجود بوده است.

جدول شمارهٔ یک- ابعاد و شاخصهای مجزای هر یک ازابعاد توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی

ابعاد توسعه	شاخص‌های مجزای هر بعد از توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی
فناوری اطلاعات و ارتباطات	فناوری ـ تلفن همراه ـ رایانه ـ اینترنت
آموزشی	تعداد دانش آموزان ـ تعداد کارکنان آموزشی تعداد دانشجویان ـ تعداد دانش آموختگان
فرهنگی	صندلی ـ سینما ـ کتاب‌خانه ـ کتب موجود ـ کتب تالیف کتب ترجمه ـ گردشگران
اجتماعی	جمعیت ـ جمعیت شهری ـ جمعیت روستایی ـ غیرمسلمان ـ اتباع ـ ولادت ـ وفات ـ طلاق ـ ازدواج ـ شهرنشینی ـ روستا نشینی
دین‌داری	نماز جمعه ـ نماز جماعت ـ جشن ها و اعیاد مذهبی ـ عزاداری ـ دعا و نیایش ـ مجالس قران ـ سفره‌ها و جلسات مذهبی ـ زیارت اماکن مذهبی

[1] ICT Development Index(IDI)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

در پژوهش حاضر، نظر به اینکه داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده دارای مقیاس‌های اندازه‌گیری متفاوتی بودند؛ قبل از تجمیع شاخص‌ها برای محاسبهٔ نمرهٔ نهایی توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی استان‌ها و میزان دین‌داری هر استان، ابتدا از این شاخص‌ها رفع مقیاس (روش حداقل- حداکثر) شد. برای استانداردسازی (بازهٔ اعداد بین صفر تا یک) شاخص ترکیبی از تکنیک استانداردسازی به روش حداقل- حداکثر مطابق رابطهٔ ۱ بهره گرفته شد (عوض زاده و کرمی، ۱۳۹٤: ٤١).

رابطهٔ ۱)
$$Y_{ij} = \frac{x_{ij} - x_j^{min}}{x_j^{max} - x_j^{min}}$$

در این فرمول: Y_{ij}= شاخص استاندارد برای متغیر iام در واحد jام؛ x_{ij}= متغیر iام در واحد jام؛ x_j^{min}= حداقل مقدار متغیر jام است؛ x_j^{max}= حداکثر مقدار متغیر jام است.

در مرحلهٔ بعد، به منظور وزن‌دهی به شاخص‌های توسعه از روش شبکهٔ عصبی مصنوعی[1] بهره گرفته شد و با ضرب مقادیر استاندارد شاخص‌ها با وزن‌های به‌دست آمده از شبکهٔ عصبی مصنوعی اقدام به رتبه‌بندی استان‌ها شد.

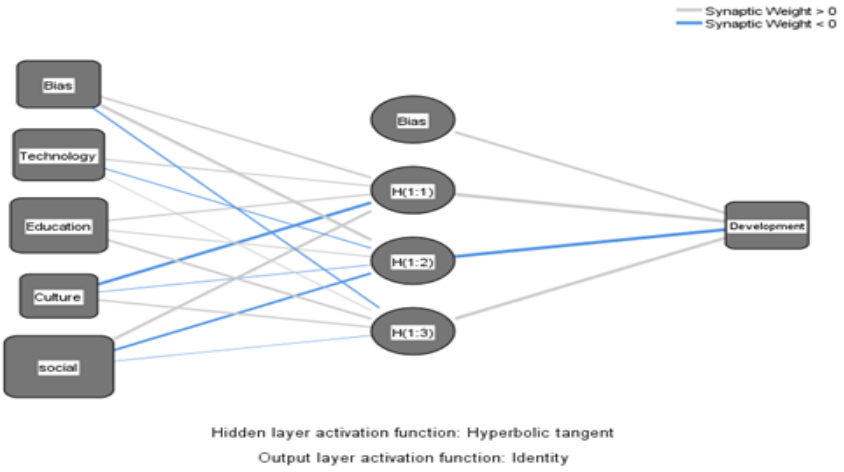
شبکهٔ عصبی مصنوعی

در پژوهش حاضر، برای تعیین روابط میان شاخص‌ها و وزن‌دهی آن‌ها از شبکهٔ عصبی پرسپترون چند لایه با الگوریتم پس انتشار خطا[2] استفاده شد. معماری‌های شبکه و تحلیل سیگنال های استفاده شده در مدل‌سازی سیستم‌های عصبی را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد که هر کدام متکی بر فلسفه‌ای متفاوت هستند. شبکه‌های پیشخور-چندلایه مجموعه‌ای از سیگنال‌های ورودی را به مجموعه‌ای از سیگنال‌های خروجی تبدیل می‌کند. تبدیل ورودی- خروجی مورد نظر اغلب با تنظیم نظارت شده و خارجی پارامترهای سیستم تعیین می‌شود. در شبکه‌های پسخور، اطلاعات ورودی، وضعیت فعالیت آغازین سیستم را تعریف می‌کند و در ادامه، وضعیت نهایی مجانب‌وار با خروجی محاسبات تعیین می‌شود. در شبکه‌های دسته سوم مجاور یک شبکهٔ عصبی، در فعالیت-هایشان به وسیلهٔ تقابل‌های جانبی دو طرفی، رقابت می‌کنند و منطبق بر شناساگرهای خاص الگوهای متفاوت یک سیگنال، رشد می‌کنند. از این دسته به عنوان یادگیری رقابتی، نظارت نشده یا خود سازمانده نامبرده می‌شود. شبکهٔ MLP از چند لایه تشکیل شده است، لایهٔ ورودی،

[1] Artificial Neural Network (ANN)
[2] Multilayer perceptron (MLP)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

خروجی و لایه یا لایه‌های مخفی که خروجی لایهٔ اول، بردار ورودی لایهٔ دوم به حساب می‌آید. به همین ترتیب خروجی لایهٔ دوم، بردار ورودی لایهٔ سوم را تشکیل می‌دهد. خروجی‌های لایهٔ دوم پاسخ واقعی شبکه را نشان می‌دهند. نورون‌های موجود در لایهٔ بالادست به نورون‌های موجود در لایهٔ پائین دست ارتباط دارند. نقش هر نورون، محاسبهٔ مجموع وزن لایهٔ ورودی و سپس گذراندن این مجموع از یک تابع به نام تابع انتقال می‌باشد. تابع انتقال می‌تواند یک تابع خطی یا غیرخطی باشد. دو نوع از توابع مرسوم در شبکهٔ پرسپترون چند لایه تابع سیگموییدو و تانژآنت هایپربولیک می‌باشد. در این پژوهش از تابع تانژانت هایپربولیک استفاده گردید. نحوه عمل پرسپترون چند لایه بدین صورت است که الگویی به شبکه داده می‌شود و خروجی آن محاسبه می‌گردد. مقایسهٔ خروجی واقعی و خروجی مطلوب، باعث می‌شود که ضریب وزنی شبکه تغییر یابد به طوری که در دفعات بعد خروجی صحیح‌تری حاصل می‌شود. قاعدهٔ فراگیری میزان کردن، ضرایب وزنی شبکه را بیان می‌کند و مجموع وزن‌ها برابر با یک می‌باشد (کرمی، ۱۳۹۷: ۲۵).



شکل شمارهٔ یک- شبکهٔ عصبی پرسپترون چند لایه با الگوریتم پس انتشار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شمارهٔ دو- وزن و وزن استاندارد ابعاد توسعهٔ فناوری، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی

	وزن	وزن استاندارد
توسعهٔ فناوری	۰,۲۳۱	٦٤,٧٪
توسعهٔ آموزشی	۰,۲۷۱	٧٦,٣٪
توسعهٔ فرهنگی	۰,۱۲۹	۳۹٪
توسعهٔ اجتماعی	۰,۳۵۷	۱۰۰٪

به منظور وزن‌دهی به شاخص‌های ترکیبی توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی از روش شبکهٔ عصبی مصنوعی در Spss بهره گرفته شد و با ضرب مقادیر استاندارد شاخص‌ها با وزن‌های به‌دست آمده از شبکهٔ عصبی مصنوعی (رابطه ۲) اقدام به رتبه‌بندی استان‌ها شد (عوض زاده و کرمی، ۱۳۹٤: ۳۹).

رابطه ۲)

$$Ci=\sum_{i=1}^{n} \frac{xij}{x} * wij$$

Ci: شاخص ترکیبی

Xij: مقدار شاخص i مربوط به توسعهٔ فرهنگی و اجتماعی

X: میانگین شاخص

Wij: وزن مربوط به شاخص xij

برای به دست آوردن رتبهٔ نهایی دین‌داری هر استان نیز با توجه به نمرهٔ مکتسبه هر استان از زیر شاخص‌های دین‌داری اقدام به رتبه‌بندی استان‌ها گردید.

جدول شمارهٔ سه – جایگاه استان‌های کشور بر اساس نمرهٔ توسعهٔ کل، نمرهٔ دین‌داری کل، رتبه در توسعه و رتبه در دین‌داری

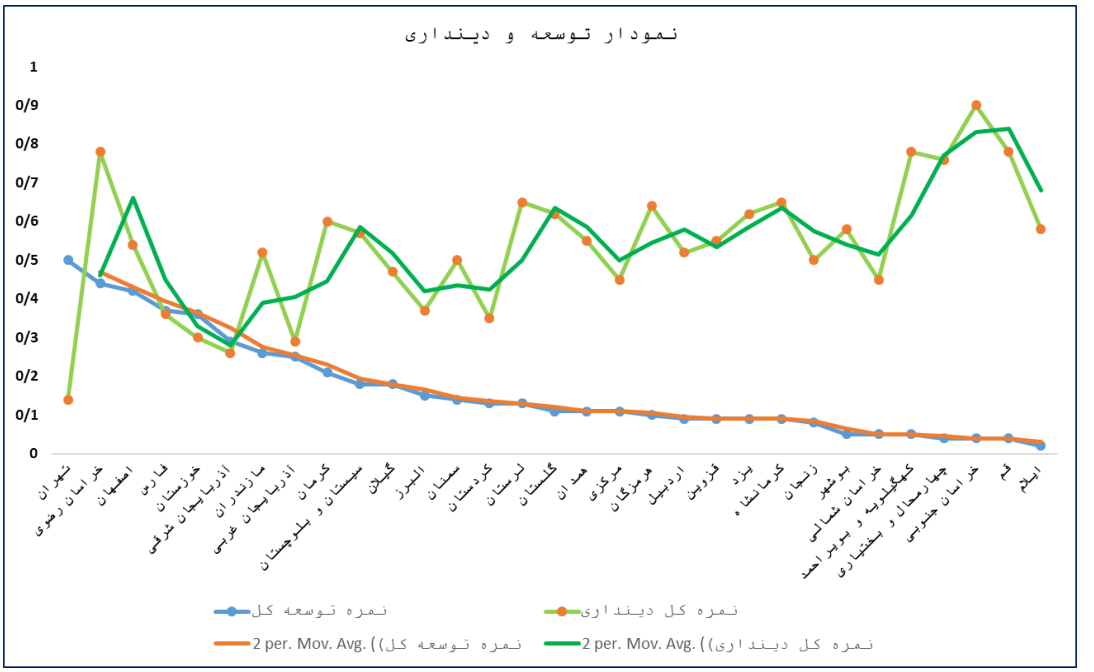
ردیف	استان	نمره توسعه کل	نمره کل دینداری	رتبه در توسعه	رتبه در دینداری
۱	تهران	.۵۰	.٦٤	۱	۳۱
۲	خراسان رضوی	.٤٤	.۷۸	۲	٤
۳	اصفهان	.٤۲	.۵٤	۳	۱۷

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

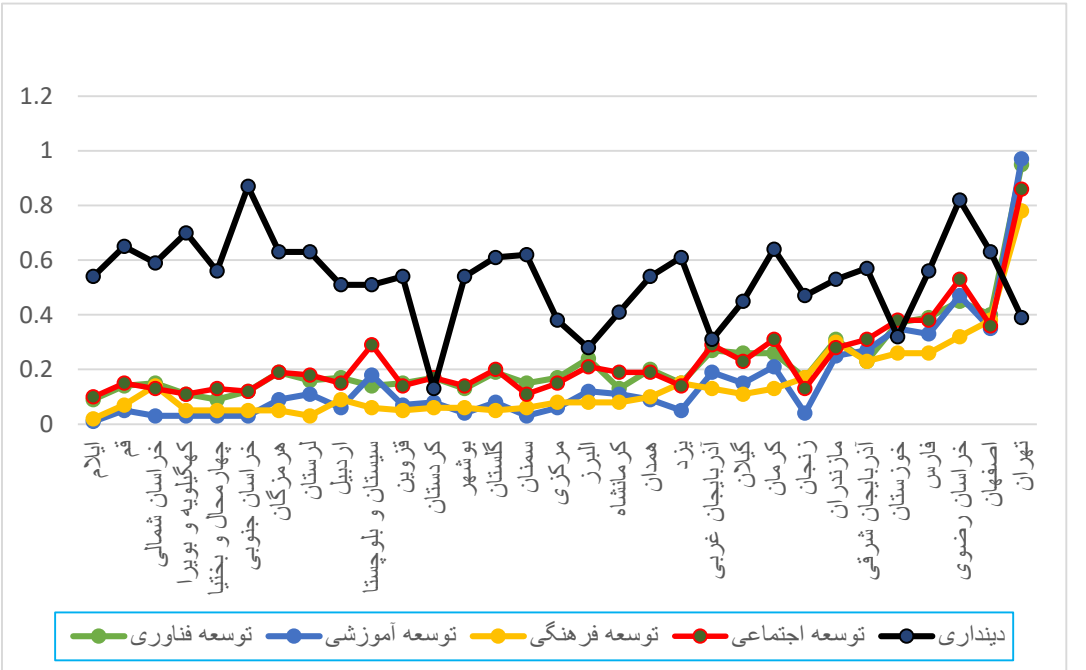
٤	فارس	.٣٧	.٢٦	٤	٢٦
٥	خوزستان	.٣٦	.٣٠	٥	٢٨
٦	آذربایجان شرقی	.٢٩	.٢٦	٦	٣٠
٧	مازندران	.٢٦	.٥٢	٧	١٨
٨	آذربایجان غربی	.٢٥	.٢٩	٨	٢٩
٩	کرمان	.٢١	.٦٠	٩	١١
١٠	سیستان و بلوچستان	.١٨	.٥٧	١٠	١٤
١١	گیلان	.١٨	.٤٧	١١	٢٢
١٢	البرز	.١٥	.٣٧	١٢	٢٥
١٣	سمنان	.١٤	.٥٠	١٣	٢٠
١٤	کردستان	.١٣	.٣٥	١٤	٢٧
١٥	لرستان	.١٣	.٦٥	١٥	٦
١٦	گلستان	.١١	.٦٢	١٦	١٠
١٧	همدان	.١١	.٥٥	١٧	٣٠
١٨	مرکزی	.١١	.٤٥	١٨	٣٠
١٩	هرمزگان	.١٠	.٦٤	١٩	٣٠
٢٠	اردبیل	.٠٩	.٥٢	٢٠	١٩
٢١	قزوین	.٠٩	.٥٥	٢١	١٦
٢٢	یزد	.٠٩	.٦٢	٢٢	٣٠
٢٣	کرمانشاه	.٠٩	.٦٥	٢٣	٧
٢٤	زنجان	.٠٨	.٥٠	٢٤	٢١
٢٥	بوشهر	.٠٥	.٥٨	٢٥	١٢
٢٦	خراسان شمالی	.٠٥	.٤٥	٢٦	٢٤
٢٧	کهگیلویه و بویراحمد	.٠٥	.٧٨	٢٧	٢
٢٨	چهارمحال و بختیاری	.٠٤	.٧٦	٢٨	٥
٢٩	خراسان شمالی	.٠٤	.٩٠	٢٩	١
٣٠	قم	.٠٤	.٧٨	٣٠	٣
٣١	ایلام	.٠٢	.٥٨	٣١	١٣

جدول شمارهٔ ۳، و نمودار شمارهٔ ۱ در قالب توصیفی مختصر از میانگین رتبه‌ها در مورد توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی و دین‌داری استان‌ها می باشد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



نمودار شمارهٔ یک- نمودار خطی چندگانهٔ جایگاه استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های توسعهٔ اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و فناوری و میزان دین‌داری کلی



[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

به منظور خوشه‌بندی میزان توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی استان‌ها از روش k- means cluster استفاده گردیده است.

جدول شمارهٔ چهار- اطلاعات مربوط به خوشه‌بندی دین‌داری استان‌ها بر اساس مرکز اولیهٔ خوشه، تکرار الگوریتم، مرکز خوشه‌ها در آخرین تکرار الگوریتم، فاصلهٔ مراکز خوشه‌ها و تعداد استان‌های هر خوشه

خوشه	۱	۲	۳
مرکز اولیه خوشه	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۵۰
تکرار الگوریتم	۰/۰۲۷	۰/۰۵٤	۰/۷٤
	۰/۱۵	۰/۰۱٦	۰/۳۹
	۰/۰۰۳	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مرکز خوشه‌ها در آخرین تکرار	۰/۰٦	۰/۱۷	۰/۳۹
فاصلهٔ مرکز هر خوشه پس از آخرین مرحلهٔ الگوریتم تکرار		۰/۱۱٦	۰/۳۳۱
	۰/۲۳۱	۰/۲۱٦	
	۰/۱۱٦		۰/۲۱٦
تعداد موردهای هر خوشه	۱۵	۹	۷

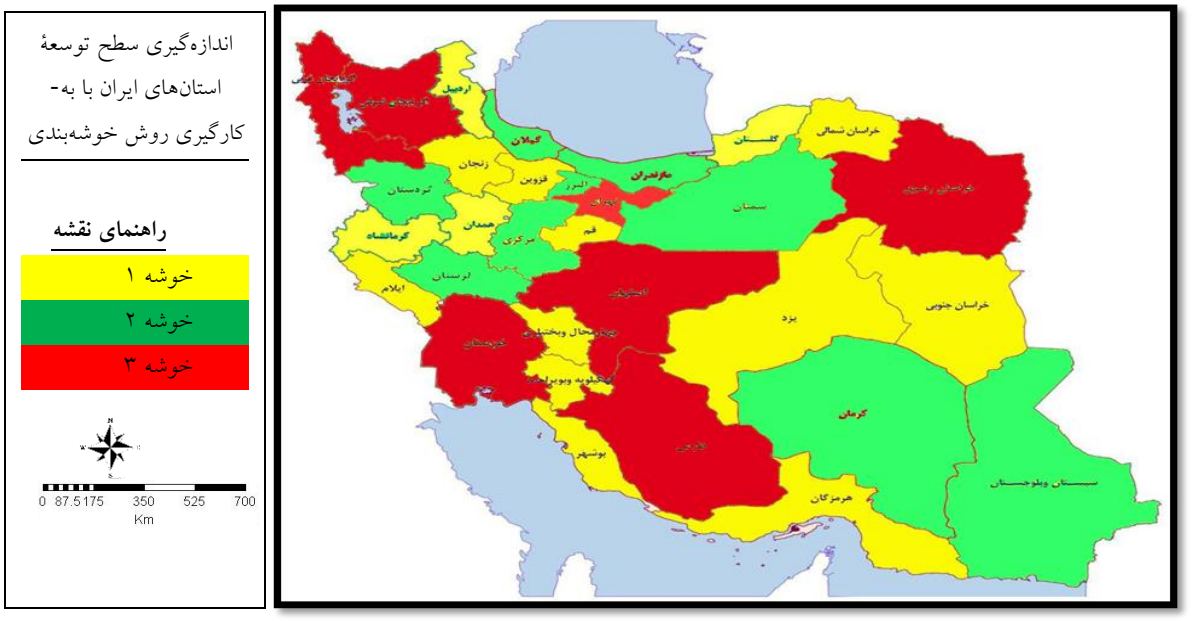
در جدول مرکز اولیه هر سه خوشه قابل مشاهده است. نرم‌افزار با ۳ بار تکرار الگوریتم توانسته است به خوشه‌هایی دست یابد که معیار همگرایی صفر را پذیرفته‌اند. اعداد جدول نشان می‌دهد به ازای هر بار تکرار اندازهٔ مرکز هر سه خوشه چقدر تغییر یافته است. در جدول مرکز خوشه‌ها در آخرین تکرار نمایش داده شده است. همچنین فاصلهٔ مرکز هر خوشه پس از آخرین مرحلهٔ الگوریتم تکرار، با خوشهٔ دیگر را نشان می‌دهد. در نهایت تعداد موردهای هر خوشه پس از آخرین مرحلهٔ الگوریتم تکرار نشان داده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد خوشهٔ اول ۱۵ استان را در بر می‌گیرد که از لحاظ توسعه، کمترین توسعه را داشته‌اند. خوشهٔ دوم ۹ استان در حال توسعه را در بر می‌گیرد و در نهایت خوشهٔ سوم ۷ استان توسعه‌یافتهٔ کشور را نشان می-دهد(جدول ٤). از آن‌جا که می‌توان اعضای هر خوشه را نمونه‌ای از یک جمعیت در نظر گرفت، بنابراین با استفاده از آزمون آنالیز واریانس به سادگی می‌توان وجود اختلاف معنادار بین خوشه‌ها را بررسی کرد. مقدار Sig سطح معناداری آزمون را نشان می‌دهد. از آن‌جایی که این مقدار بسیار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

کوچک است (P-value<۰,۰۰۰) بنابراین فرض همانند بودن خوشه‌ها را رد می‌کنیم. به معنای دیگر اینکه ما با سه خوشه متفاوت از استان‌ها با شطوح توسعه‌یافتگی متفاوت از یکدیگر روبه‌رو هستیم.

جدول شمارهٔ پنج- نتایج آزمون تحلیل واریانس جهت ارزیابیِ همگنی بین خوشه‌ای میزان دین-داری استان‌ها

سطح معنی داری	مقدارF	درجه آزادی	خطای مجذور میانگین	درجه آزادی	مجذور میانگین خوشه	
۰/۰۰۰	۱۲۹/۳۰۱	۲۸	۰/۰۰۲	۲	۰/۲۶۲	توسعهٔ فرهنگی و اجتماعی کل



شکل شمارهٔ سه- خوشه‌بندی استان‌های کشور ایران با توجه به خروجی نگاشت خود سازمانده (ترسیم: نویسندگان، ۱۳۹۸)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شمارهٔ شش- خوشه‌بندی استان‌های کشور بر اساس میزان توسعه‌یافتگی و استان‌های مربوطه

استان	
توسعه‌نیافته	ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، قزوین، قم، کهگیلویه و بویراحمد، هرمزگان، یزد، اردبیل، کرمانشاه، گلستان، همدان
کمتر توسعه‌یافته	کرمان، کردستان، لرستان، البرز، سنان، مرکزی، مازندران، گیلان، سیستان و بلوچستان
توسعه‌یافته	آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان، فارس، تهران

به منظور خوشه‌بندی میزان دین‌داری استان‌ها از روش k- means cluster استفاده گردیده است.

جدول شمارهٔ هفت- اطلاعات مربوط به خوشه‌بندی دین‌داری استان‌ها بر اساس مرکز اولیهٔ خوشه، تکرار الگوریتم، مرکز خوشه‌ها در آخرین تکرار الگوریتم، فاصلهٔ مراکز خوشه‌ها و تعداد استان‌های هر خوشه

خوشه	1	2	3
مرکز اولیهٔ خوشه	۰/۹۰	۰/۵٤	۰/۱٤
تکرار الگوریتم	۰/۱۰۰	۰/۰۱۱	۰/۱۰۸
	۰/۰۰۰	۰/۲۷	۰/٤۸
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
مرکز خوشه‌ها در آخرین تکرار	۰/۸۰	۰/۵٦	۰/۳۰
فاصلهٔ مرکز هر خوشه پس از آخرین مرحلهٔ الگوریتم تکرار	۰/۵۰٤	۰/۲٦۰	
		۰/۲٤٤	۰/۵۰٤
	۰/۲٤٤		۰/۲٦۰
تعداد موردهای هر خوشه	۵	۱۹	۷

در جدول شمارهٔ ۷، مرکز اولیهٔ هر سه خوشه قابل مشاهده است. نرم‌افزار با ۳ بار تکرار الگوریتم توانسته است به خوشه‌هایی دست یابد که معیار همگرایی صفر را پذیرفته‌اند. اعداد جدول نشان می‌دهد به ازای هر بار تکرار اندازهٔ مرکز هر سه خوشه چقدر تغییر یافته است. در جدول مرکز خوشه‌ها در آخرین تکرار نمایش داده شده است. همچنین فاصلهٔ مرکز هر خوشه پس از آخرین مرحلهٔ الگوریتم تکرار، با خوشهٔ دیگر را نشان می‌دهد. در نهایت تعداد موردهای هر خوشه را پس از آخرین مرحلهٔ الگوریتم تکرار نشان داده شده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد خوشهٔ اول ۵ استان را در بر می‌گیرد که از لحاظ دین‌داری، در سطح بالا می‌باشند. خوشهٔ

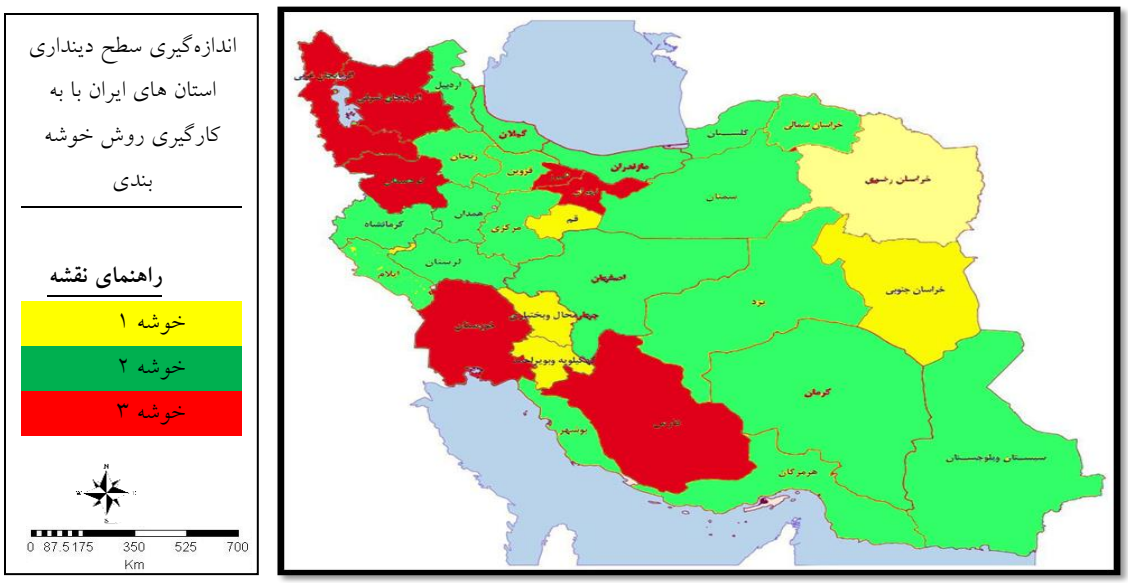
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دوم ۱۹ استان با دین‌داری متوسط را در بر می‌گیرد و در نهایت خوشهٔ سوم ۷ استان با دین‌داری پایین را نشان می‌دهد.

از آن‌جا که می‌توان اعضای هر خوشه را نمونه‌ای از یک جمعیت در نظر گرفت، بنابراین با استفاده از آزمون انالیز واریانس به سادگی می‌توان وجود اختلاف معنادار بین خوشه‌ها را بررسی کرد. مقدار Sig سطح معناداری آزمون را نشان می‌دهد. از آن‌جایی که این مقدار بسیار کوچک تر از سطح معنی‌داری است (P-value <۰/۰۰۰) فرض همانندی و همگنی خوشه‌ها رد می‌شود. به معنای دیگر اینکه همگونی درون خوشه‌های سه‌گانه از نظر شاخص دین‌داری از همگنی و مشابهت بین این خوشه‌ها بیشتر است.

جدول شمارهٔ هشت- نتایج آزمون تحلیل واریانس جهت ارزیابیِ همگنی بین خوشه‌ای میزان دین‌داری استان‌ها

	مجذور میانگین خوشه	درجه آزادی	خطای مجذور میانگین	درجه آزادی	F	سطح معنی‌داری
دین‌داری	۰/۳۸۰	۲	۰/۰۰۵	۲۸	۸٤/۲۹٦	۰۰۰,۰



شکل شمارهٔ چهار- خوشه‌بندی استان‌های کشور ایران با توجه به خروجی نگاشت خود سازمانده (ترسیم: نویسندگان، ۱۳۹۸)

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شمارهٔ نه– خوشه‌بندی استان‌های کشور بر اساس میزان دین‌داری و استان‌های مربوطه

	استان
دین‌داری بالا	قم، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی
دین‌داری متوسط	ایلام، بوشهر، زنجان، قزوین، هرمزگان، یزد،،سیستان و بلوچستان، کرمان، کرمانشاه، لرستان، همدان، اصفهان، مازندران، سمنان، مرکزی، زنجان، گیلان، خراسان شمالی، اردبیل
دین‌داری پایین	فارس، البرز، تهران، خوزستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان

به منظور تشخیص رابطه و مقایسهٔ دو متغیر توسعه و دین‌داری در بین استان‌های کشور از آزمون‌های ناپارامتریک آزمون ناپارامتری K نمونهٔ مستقل(کروسکال والیس) و آزمون ناپارامتری دو نمونهٔ مستقل(مان–ویتنی) استفاده شد.

آزمون ناپارامتری K نمونهٔ مستقل(کروسکال والیس):

این آزمون هم ارز ناپارامتری آنالیز واریانس یک طرفه است و امکان مقایسهٔ میان بیش از دو گروه مستقل را فراهم می‌کند. بر اساس مجموع نمرهٔ شاخص‌های توسعه‌یافتگی به‌دست آمده (۰۰۵/) کمتر از مقدار (۰/۰۵) است. می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر مبنی بر برابری میزان دین‌داری در استان‌های مختلف با سطح توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی متفاوت رد می‌گردد. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که میزان دین‌داری در استان‌های با سطح اجتماعی و فرهنگی متفاوت، همانند نیست. برای ارزیابی اینکه در کدام گروه میزان دین‌داری بیشتر و در کدامیک از گروه‌ها کمتر است می‌توان به میانگین رتبه‌ها (Mean rank) در جدول اول مراجعه نمود. نتایج نشان می‌دهند که با افزایش سطح توسعه، میزان دین‌داری کاهش یافته است .

جدول شمارهٔ ده– محاسبهٔ میانگین رتبهٔ دین‌داری استان‌ها بر اساس سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی و فرهنگی بر اساس آزمون کروسکال – والیس

خوشه از لحاظ توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی	تعداد	میانگین رتبهٔ دین‌داری
توسعهٔ پایین	۱۵	۱۸/۸۰
توسعهٔ متوسط	۹	۱۸/۰۰
توسعهٔ بالا	۷	۷/۴۳
مجموع استان‌ها = ۳۱		
مقدار خی دو= ۱۰/۷۰۳		
درجه آزادی = ۲		
سطح معنی‌داری= ۰۰۵/.		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

آزمون ناپارامتری دو نمونهٔ مستقل(مان–ویتنی):

با استفاده از این آزمون این فرض بررسی می‌شود که آیا تفاوت بین هر یک از دو تا خوشه-های مستقل توسعه‌یافتگی از نظر دین‌داری معنی‌دار است یا خیر؟ در اینجا از این آزمون برای مقایسهٔ دو به دوی خوشه‌های با درجهٔ توسعهٔ متفاوت استفاده شد. بر اساس جدول ۱۱ که به نتایج آزمون من ویتنی برای ارزیابی تفاوت دین‌داری بین استان‌های توسعه‌یافتگی پایین و توسعه-یافتگی بالا به کار گرفته شد، مقدار آماره z(۳/۲۰-) با سطح معنی‌داری ۰۰۱/. نشان می‌دهد که میزان دین‌داری در بین استان‌های با توسعه‌یافتگی سطح پایین بالاتر از میزان دین‌داری در بین استان‌های توسعه‌یافتگی سطح بالا است.

جدول شمارهٔ یازده- نتایج آزمون من–ویتنی برای ارزیابی تفاوت میزان دین‌داری استان‌های با سطوح توسعه‌یافتگی بالا و پایین

خوشه از لحاظ توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی	تعداد	میانگین رتبهٔ دین‌داری	مجموع رتبه‌ها
توسعهٔ پایین	۱۵	۱٤/۲۳	۲۱۳/۵۰
توسعهٔ بالا	۷	۵/٦٤	۳۹/۵۰
مجموع	۲۲		
Mann-Whitney U	۱۱/۵۰۰		
Wilcoxon W	۳۹/۵۰۰		
Z	-۳/۲۰۰		
Asymp. Sig. (2-tailed)	.۰۰۱		
Exact Sig. [2*(1-tailed Sig.)]	.۰۰۲		

جدول شمارهٔ دوازده- نتایج آزمون من–ویتنی برای ارزیابی تفاوت میزان دین‌داری استان‌های با سطوح توسعه‌یافتگی پایین و متوسط

خوشه از لحاظ توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی	تعداد	میانگین رتبهٔ دینداری	مجموع رتبه‌ها
توسعهٔ پایین	۱۵	۱۲/۵۷	۱۸۸/۵۰
توسعهٔ متوسط	۹	۱۲/۳۹	۱۱۱/۵۰
مجموع	۲٤		
Mann-Whitney U	٦٦/۵۰۰		
Wilcoxon W	۱۱۱/۵۰۰		
Z	-.۰۷۹		

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

Asymp. Sig. (2-tailed)	.۹۳۷		
Exact Sig. [2*(1-tailed Sig.)]	.۹۵۳		

نتایج آزمون من ویتنی برای ارزیابی تفاوت دین‌داری استان‌های با سطوح توسعه‌یافتگی پایین و متوسط نشان می‌دهد که بر اساس مقدار z(۰/۷۹-) و سطح معنی‌داری (۹۳۷/.) تفاوت اندک میزان دین‌داری در بین استان‌های با سطح توسعه‌یافتگی پایین و سطح توسعه‌یافتگی متوسط معنی‌دار نیست.

جدول شمارهٔ سیزده- نتایج آزمون من–ویتنی برای ارزیابی تفاوت میزان دین‌داری استان‌های با سطوح توسعه‌یافتگی متوسط و بالا

خوشه از لحاظ توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی	تعداد	میانگین رتبهٔ دینداری	مجموع رتبه‌ها
توسعهٔ متوسط	۹	۱۰/٦۱	۹۵/۵۰
توسعهٔ بالا	۷	۵/۷۹	٤۵/۵۰
مجموع	۱٦		
Mann-Whitney U	۱۲/۵۰۰		
Wilcoxon W	٤۰/۵۰۰		
Z	-۲/۲۵۷		
Asymp. Sig. (2-tailed)	.۰۲٤		
Exact Sig. [2*(1-tailed Sig.)]	.۰٤۲		

نتایج آزمون من ویتنی برای ارزیابی تفاوت میزان دین‌داری استان‌های با سطوح توسعه-یافتگی متوسط و بالا نشان می‌دهد که بر اساس مقدار z (۲/۲۵۷-) و سطح معنی‌داری به‌دست آمده(۰۲/.) سطح دین‌داری بین این دو دسته از استان‌ها متفاوت است. به طوری‌که بر اساس مقدار میانگین رتبه مربوط به هریک از این استان‌ها می‌توان گفت میزان دین‌داری در استان‌های با سطح توسعه‌یافتگی متوسط به میزان قابل توجهی بالاتر از استان‌های با سطوح توسعه‌یافتگی بالا می-باشد.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در ایران، ماهیت ارتباط میان توسعه و دین‌داری هم در بحث‌های علمی و هم در سیاست-گذاری، حداقل بعد از آشنایی ایرانیان با مدرنیته و وقوع دو انقلاب مشروطه و اسلامی، از جمله مباحث و مسائل مهم بوده است. در این مباحثه، متفکران و محققان با پیش‌فرض‌های متفاوت، وجودِ سازگاری یا ناسازگاری، هم‌زیستی و هم‌آیی میان این دو پدیده را طرح، ارزیابی و به چالش کشیده‌اند. با وجود اهمیت راهبردی و علمیِ چنین مسأله‌ای، پژوهش تجربی چندانی در سطح ملی یا استانی در این خصوص انجام نگرفته است. از این رو در این مقاله محققان سعی کردند با روش تحلیل ثانویه، با استفاده از داده‌های موجودِ مرکز آمار ایران، این رابطه را در سطح استانی به صورتِ تجربی بررسی نمایند. برای تعیین روابط میان شاخص‌ها و وزن‌دهی آن‌ها از شبکهٔ عصبی پرسپترون چند لایه با الگوریتم پس انتشار خطا استفاده شد. به منظور وزن‌دهی به شاخص‌های ترکیبی توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی از روش شبکهٔ عصبی مصنوعی در Spss بهره گرفته و با حاصل‌ضرب مقادیر استاندارد شاخص‌ها با وزن‌های به‌دست آمده از شبکهٔ عصبی مصنوعی اقدام به رتبه‌بندی استان‌ها شد. برای به دست آوردن رتبهٔ نهایی دین‌داریِ آیینی هر استان، نیز نمرهٔ مکتسبهٔ هر استان در گویه‌های دین‌داری محاسبه و سپس رتبهٔ آنان تعیین شد. به منظور خوشه‌بندی میزان توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی استان‌ها از روش k- means cluster استفاده شد که در نهایت مجموع استان‌های کشور از نظر میزان توسعه‌یافتگی اجتماعی و فرهنگی در سه خوشهٔ بالا، متوسط و پایین جای گرفتند. تعداد استان‌های مربوط به خوشه‌های کمتر توسعه‌یافته، توسعه‌یافتهٔ متوسط و توسعه‌یافته، به ترتیب، ۱۵، ۹ و ۷ استان بوده‌اند. برای خوشه‌بندی استان‌ها بر اساس میزان دین‌داری آن‌ها نیز از روش k- means cluster استفاده گردید. بر اساس نتایج آزمون، ۵ استان از دین‌داری با سطح بالا، ۱۹ استان با دین‌داری متوسط و ۷ استان با دین‌داری سطح پایین برآورد شدند. نتایج آزمون‌ها برای ارزیابی رابطهٔ توسعه‌یافتگی استانی و میزان دین‌داری را می‌توان به دو صورت مجزا بیان کرد. با در نظر گرفتن هر استان به صورت مجزا، می‌توان گفت استان‌هایی که سطوح توسعه‌یافتگی اجتماعی و فرهنگی بالاتر و بنابراین رتبهٔ ممتازتری در این شاخص دارند میزان دین‌داری کمتر و رتبهٔ پایین‌تری از نظر میزان دین‌داری دارند. البته این رابطهٔ معکوس بین افزایش سطح توسعه‌یافتگی و میزان دین‌داری برای همهٔ استان‌های کشور صادق نیست؛ زیرا بر اساس رتبه و جایگاه استان‌ها، می‌توان به موارد استثنایی در این الگو نیز اشاره کرد. شاید بتوان گفت یکی از جالب‌توجه‌ترین یافته‌های این تحقیق وجود همین استثناها در الگوی عمومیِ رابطهٔ معکوس بین افزایش میزان توسعه‌یافتگیِ اجتماعی و فرهنگی استانی و کاهشِ سطح دین‌داری باشد. برای مثال، استان خراسان رضوی با وجود داشتن

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

رتبهٔ بالا از نظر میزان توسعه‌یافتگیِ اجتماعی و فرهنگی، در میزان دین‌داری هم رتبه و جایگاه بالایی دارد. وضعیتی که می‌تواند تا حد زیادی به وجودِ بارگاهِ مقدس آستان قدس رضوی در این استان نسبت داده شود که شهر مشهد را به‌عنوان اولین شهر مذهبی ایران هویت‌یابی کرده است. دیگر استثنای مهم، استان کردستان است که از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی در سطح متوسط، اما از نظر دین‌داری در سطح پایین بوده است. هر چند عوامل متعددی می‌توانند در شکل‌گیری چنین وضعیتی دخیل باشند، اما شاید بتوان چنین وضعیتی را به هویت مذهبی خاص مردم این استان(تسنن) نسبت داد. بر این اساس می‌توان گفت پژوهش حاضر نشان می‌دهد به استثنای دو استان یادشده، سطح بالای توسعه‌یافتگیِ اجتماعی و فرهنگی استانی در کل با کاهش میزان دین-داریِ مناسکی و جمعی هر استان همراه بوده است. فراتر از وضعیت انفرادی هر استان، تحلیل دیگر بعد از تشکیل خوشه‌های استانی و استخراج سه خوشهٔ استان‌های توسعه‌یافته، توسعه‌یافتهٔ متوسط و کمتر توسعه‌یافته؛ همچنین، برآورد سه خوشهٔ استان‌های دین‌داری زیاد، دین‌داری متوسط و دین‌داری کم بوده است. رابطهٔ بین توسعه‌یافتگی و میزان دین‌داری در بین هر یک از این خوشه‌ها نیز از همان الگوی رابطهٔ معکوس یعنی افزایش میزان توسعه‌یافتگی و کاهش میزان دین‌داری پیروی نموده است. اما در این جا، آزمون من ویتنی نشان داد که تفاوت دین‌داری استان‌های توسعه‌نیافته و استان‌های با توسعهٔ پایین با استان‌های توسعهٔ بالا از نظر آماری تفاوت معنی‌داری دارند. اما تفاوت دین‌داری استان‌های با سطح پایین و متوسط توسعه‌یافتگی با یکدیگر معنی‌دار نیست. اما دین‌درای کمتر و تفاوت دین‌داری استان‌های با سطح توسعه‌یافتگی بالا با هر دو دسته استان‌های توسعه‌یافتگی متوسط و کمتر توسعه‌یافته معنی‌دار است. بر اساس نتایج آزمون و با تعمیم دادنِ نتیجه‌گیریِ سطح جامعه‌ای اینگلهارت به سطح استانی و تعمیم دادنِ توسعهٔ اقتصادی مد نظر وی به توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی و نسبت معکوسِ تجدد بازاندیشانه با دین-داری گیدنز، می‌توان با احتیاط این نظر را طرح کرد که توسعه و تجدد می‌تواند به کاهش یا تضعیفِ اهمیت دین‌داریِ مناسکی کمک نماید. ازاین‌رو نتایج مطالعهٔ حاضر تا حد زیادی با پژوهش شجاعی‌زند (۱۳۸۵) که امکان هر نوع هم‌زیستی بین دین و مدرنیته را با استناد به مصادیقِ مهم موجود رد می‌کند، سازگاری دارد.

اما نتایج مطالعهٔ حاضر با پژوهش‌های دیگری از جمله پژوهش طالبان و بهابادی (۱۳۹۰) همخوانی ندارد. به نظر آن‌ها ارتباط مستحکمی میان سطوح توسعهٔ اقتصادی-اجتماعی و نابرابری اقتصادی با میزان دین‌داری وجود ندارد. شاید نتایج متفاوت تحقیق حاضر با تحقیق مذکور را بتوان به استفادهٔ هر یک از مطالعات از شاخص‌های متفاوت توسعه‌یافتگی و ابعاد دین‌داری نسبت داد. زیرا همان‌طور که گفته شد بیشتر مطالعات داخلی و خارجی، در بررسی رابطهٔ توسعه و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

دینداری، شاخص اقتصادی توسعه را سنجیده و مد نظر داشته‌اند.در حالی‌که مطالعهٔ حاضر با استناد به داده‌های موجود به ارتباط ابعاد اجتماعی و فرهنگیِ توسعه با بعد دین‌داریِ مناسکی پرداخته است. شاید دیگر عامل مهم تأثیرگذار در نتایج متفاوت را بتوان به بازهٔ زمانی مطالعات و تحولات فراگیر ناشی از گسترش آموزش و فناوری‌های ارتباطی نوین در یک دههٔ اخیر نسبت داد که بافت اجتماعی – فرهنگی جامعه را درگیر تغییرات اساسی نموده‌اند. مهم‌تر آنکه در پژوهش حاضر تنها به بعد مناسکی و آیینی دین‌داری پرداخته شده است و سایر ابعاد و شاخصه‌های دین-داری بنا به ماهیت داده‌های موجود و در دسترس مورد توجه قرار نگرفته‌اند. بنا به نظر گنگ [1] (۲۰۰۸)، عامل مهم دیگر را می‌توان به فقدان یک چارچوب نظری فراگیر در خصوص رابطهٔ توسعه و دین‌داری می‌داند. پژوهش ایشان نشان می‌دهد که هیچ مذهبی به طور خاص طرفدار یا مخالف توسعه نیست و همهٔ ادیان الگوهای مشابهی دارند و در اکثر مواقع حاکمان سعی می‌کنند تا بر تفسیر غالب یک دین تأثیر بگذارند. در مجموع بر اساس نتایج تحقیق می‌توان گفت هرچند رابطهٔ معکوسی بین سطح توسعه‌یافتگی اجتماعی و فرهنگی با میزان دین‌داری جمعی و مناسکی وجود دارد؛ اما کمیت و کیفیت این رابطه یک سویه و مطلق نیست. زیرا ماهیت این رابطه می-تواند تحت تأثیر فاکتورهای متعدد فرهنگی، تاریخی و سیاسی – اجتماعی جامعه و قلمروی مورد مطالعه تنوع پذیرد (مانند مورد خراسان رضوی). بنابراین نظریات جهان‌شمول و عام‌گرایانه نمی-توانند تصویر درست و واقع‌بینانه‌ای از نوع رابطهٔ سطوح و ابعاد توسعه‌یافتگی با میزان دین‌داری و همهٔ ابعاد آن ارائه کنند.

[1] Gong

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

منابع

۱. احمدی، یعقوب (۱۳۸۸) «وضعیت دین‌داری و نگرش به آینده دین در میان نسل‌ها مطالعهٔ موردی شهر سنندج»، **معرفت فرهنگی و اجتماعی**، سال اول، شمارهٔ اول: ٤٤-۱۷.

۲. اعزازی، مسعود و حبیب ابراهیم‌پور (۱۳۹٦) «بررسی نقش دین‌داری در توسعهٔ کارآمدی معلمان دبیرستان‌های اردبیل»، **مجلهٔ روان‌شناسی مدرسه**، دورهٔ ٦، شمارهٔ ٤: ٢٤-۷.

۳. امیری، سیده سمانه و احمدرضا اصغرپور ماسوله (۱۳۹۵) «ظهور دین‌داری گزینشی در میان دختران جوان شهر مشهد: ارائهٔ یک نظریهٔ زمینه‌ای»، **علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد**: دورهٔ ۱۳، شمارهٔ ۲: ۲۲-۱.

٤. بیگ محمدی، حسن؛ کریمی قطب آبادی، فضل‌اله و شاپور شکوهی (۱۳۹٦) «تحلیل شاخص‌های توسعهٔ فرهنگی»، **فصل‌نامهٔ علمی و پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی**، دورهٔ دوازدهم، شمارهٔ ۱: ٦۸-۵۳.

۵. جغتایی، فائزه؛ موسوی، میرطاهر و محمد جواد زاهدی (۱۳۹۵) «ابعاد و مؤلفه‌های توسعهٔ اجتماعی در برنامه‌های توسعه»، **فصل‌نامهٔ علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی**، سال شانزدهم، شمارهٔ ٦۳: ۸۸-۵۵.

٦. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۳) «**دریغ است که ایران ویران شود**»، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۷. زارع، سعید (۱۳۹۱) «**مطالعهٔ سطح و انواع دین‌داری دانشجویان دانشگاه‌های قم**»، پایان‌نامهٔ دکتری، دانشکدهٔ علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

۸. زارع، سعید و سیدحکیمه هاشمی (۱۳۹٤) «بررسی رابطهٔ انواع دین‌داری دانشجویان و گرایش آنان به مهاجرت خارج از کشور، دانشجویان کلیهٔ مقاطع دانشگاه علامه طباطبایی»، **جامعه-پژوهی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**، سال ششم، شمارهٔ سوم: ۸۰-۵۳.

۹. سراج‌زاده، سیدحسین؛ شریعتی‌مزینانی، سارا و سیروس صابر (۱۳۸۳) «بررسی رابطهٔ میزان دین‌داری و انواع آن با مدارای اجتماعی»، **مجلهٔ علوم اجتماعی دانشگاه فرودسی مشهد**، شمارهٔ ٤: ۱٤۲-۱۰۹.

۱۰. شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸٦) «بررسی امکان هم‌زیستی دین و مدرنیته»، **نامهٔ علوم اجتماعی**، شمارهٔ ٦۲: ۳۳-۳۰.

۱۱. طالبان، محمدرضا و مهدی رفیعی بهابادی (۱۳۹۰) «ارزیابی تجربی نظریهٔ اینگلهارت در ایران: ارتباط توسعه با دین‌داری»، **فصل‌نامهٔ علوم اجتماعی**، شمارهٔ ۵۵: ۲٤٤-۲۱۷.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۱۲. طشت‌رز، فریبا؛ حیدری، حسین و جواد روحانی رصاف (۱۳۹۱) «دین و مدرنیته از نگاه آنتونی گیدنز»، **دوفصل‌نامهٔ علمی-پژوهشی پژوهش‌نامهٔ ادیان**، سال ششم: شمارهٔ یازدهم: ۱۱۶-۹۱.

۱۳. عباس‌زاده، محمد؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ دولتی، علی و آرزو موسوی (۱۳۹۵) «مطالعهٔ نقش دین‌داری در توسعهٔ امید به آینده در بین شهروندان آذرشهر»، **دین و سلامت**، دورهٔ ٤، شمارهٔ ۱: ٤٧-٥٦.

۱٤. عبدی، مجتبی و احمد رضایی (۱۳۹۳) «سنجش میزان دینداری در میان دانشجویان جوان»، **نشریهٔ مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**، دورهٔ ۱۳، شمارهٔ ۲٤: ۱۱٤-۹۷.

۱۵. علی قنبری، فرج الله (۱۳۹۷) «نظریات و الگوهای توسعه و کاربری آن‌ها در ایران اسلامی»، **سیاست کاربردی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوفصل‌نامهٔ علمی-تخصصی**، سال اول، شمارهٔ اول: ۳۹-۲۵.

۱٦. غیاثوند، احمد (۱۳۹۵) «رفتارها و باورهای ایرانیان: تحلیلی جامعه‌شناختی از مناسبات دین در بستر دولت»، **فصل‌نامهٔ علوم اجتماعی**، سال ۲۵: شمارهٔ ۷۳: ۲۵۰-۲۱۰.

۱۷. عوض زاده، سید علی و آیت اله کرمی (۱۳۹٤) «تبیین پایداری نظام‌های بهره‌برداری خرد دهقانی: مورد مطالعه بخش مرکزی شهرستان بویراحمد»، **فصل‌نامهٔ راهبردهای توسعهٔ روستایی**، جلد ۲، شمارهٔ ۱ : ٤۱-۳۷.

۱۸. فرجی، مهدی و عباس کاظمی (۱۳۸۸) «بررسی وضعیت دین‌داری در ایران (با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دههٔ گذشته)، **تحقیقات فرهنگی ایران**، شمارهٔ ٦: ۹٦-۷۹.

۱۹. قادری، طاهره و سعید زارع (۱۳۹۰) «بررسی مفاهیم و مقوله‌های به‌کارگرفته شده جهت سنجش نوع دین‌داری»، **مجلهٔ اسلام و علوم اجتماعی**، دورهٔ ۳، شمارهٔ ٦: ۱۰۸-۷۷.

۲۰. قدرتی میرکوهی، مهدی و احسان خرمایی (۱۳۸۹) «رابطهٔ دینداری با سلامت روان در نوجوانان، **نشریهٔ علوم رفتاری**، دورهٔ ۲، شمارهٔ ۵: **۱۳۱-۱۱۵.**

۲۱. قنبری نیک، سیف الله (۱۳۸۸) «رابطهٔ دین و توسعه با تأکید بر آموزه‌های دینی»، **علوم اجتماعی**، سال اول: شمارهٔ پنجم:۱۵۸-۱۳۷.

۲۲. کرم اللهی، نعمت الله (۱۳۹۲) «بررسی وضعیت دین‌داری جوانان شهر قم، »**فصل‌نامهٔ تخصصی اسلام و مطالعات اجتماعی**، سال اول، شمارهٔ دوم:۱۷٦-۱٦۲.

۲۳. کرمی، آیت‌اله و حمید رستگاری (۱۳۹۷) «اندازه‌گیری و تحلیل سطح توسعهٔ کشاورزی ایران با به کارگیری شبکه عصبی مصنوعی»، **فصل‌نامهٔ برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، سال ۸، شمارهٔ پیاپی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۳۰: ۱۵-۳۰.

۲٤. کلانتری، میترا و عبدالحسین کلانتری (۱۳۹۱) «دین‌داری در نسل‌های مختلف مطالعهٔ موردی شهرستان ساری»، **فصل‌نامهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی**، دورهٔ اول، شمارهٔ ۲: ۲۰۰-۱۷۳.

۲۵. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹) **جامعه‌شناسی**، ترجمهٔ حسن چاوشیان، ویرایش چهارم، تهران: نی.

۲٦. محبوبی، رضا (۱۳۹٤) «ساخت مقیاس بومی برای سنجش دینداری»، **نشریهٔ مدیریت در دانشگاه اسلامی**، دورهٔ ٤، شمارهٔ ۱: ۱۳٤-۱۱۷.

۲۷. منتظر، فرامرز (۱۳۹۷) «ارزیابی جایگاه ایران از منظر شاخص توسعهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات (IDI) در میان کشورهای منطقه با تأکید بر سند چشم‌انداز ایران ۱٤۰٤»، **فصل‌نامهٔ مطالعات عمران شهری**، دورهٔ دوم، شمارهٔ هفتم:۱٤۲-۱۲۵.

۲۸. موسوی ثمرین، سید سعید (۱۳۹۲) «دین و توسعه در ایران معاصر»، **مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات مبین**، سال نخست: شمارهٔ ۲۳: ۱٤-۱.

۲۹. میرفردی، اصغر؛ مختاری، مریم و عبدالله ولی‌نژاد (۱۳۹٦) «میزان دین‌داری و ارتباط آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یاسوج)» **جامعه‌شناسی کاربردی**، دورهٔ ۲۸، شمارهٔ ۲ (پیاپی ٦٦): ۱-۱٦.

۳۰. نصر اصفهانی، آرش؛ روزخوش، محمد و پویا دریس (۱۳۹۷) «دینداری و رضایت از زندگی در ایران»، **مجلهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دورهٔ هفتم، شمارهٔ ٤: ٦٤۸-٦۲۷.

۳۱. نوع‌دوست، رضا؛ مایلی، محمدرضا (۱۳۹۷) «وضعیت سنجی سرمایهٔ روحانیت، پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی»، **پژوهش‌نامه علوم سیاسی**، سال سیزدهم، شماره چهارم: صفحات ۱۹۳-۲۲۷.

۳۲. هوشنگی، حسین (۱۳۸۹) «نقش مدرنیته در توسعهٔ بنیادگرایی در جهان اسلام» **دانش سیاسی**، سال ششم، شمارهٔ اول: ۲۱۰-۱۸۱.

۳۳. یوسف‌زاده، حسن (۱۳۸۸) «نگاهی به تحول آرای پیتر برگر دربارهٔ سکولاریسم»، **معرفت فرهنگی اجتماعی**، سال اول، شمارهٔ اول: ۱۷۸-۱٤۵.

34. Bromley, Patricia (2010) «The rationalization of educational development: Scientific activity among international nongovernmental

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

organizations» ,**Comparative Education Review**, 54(4), 577-601.

35. Eelke ,de Jong(2008) «Religious Values and Economic Growth: A review and assessment of recent studies», Nijmegen Center for Economics (NiCE); **Institute for Management Research**; Radboud University Nijmegen: NiCE Working Paper 08-111.

36. Fraser, Kym., & Gosling, David & Sorcinelli, Mary Deane (2010) «Conceptualizing evolving models of educational development», **New Directions for Teaching and Learning**, 122, 49-58.

37. Furseth, Inger and Repstad, Pal (2006) « **An Introduction to the Sociology of Religion**: Classical and Contemporary perspectiveS,», USA: Ashgate.

38. Gerrie ter, Haar (2009) «**Religion and Development What's in Two Names**», Symposium on the 10th Anniversary of the Chair of Religion and Development.

39. Inglehart, Ronald and Norris, Pippa (2004) **Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide ,** Cambridge.

40. Herbert, David (2003) **Religion and Civil Society: rethinking public religion in the contemporary world**. Ashgate Religion Culture and Society, Ashgate.

41. Hunt, Stephan J (2002) **Religion in Western society**, China: Palgrave.

42. Nurrachmi, Rininta (2016) **Religion and Economic Performance**, International Islamic University Malaysia.

43. Okechukwu Odinaka, Ajaegbu (2012) «Religion and National Development in Nigeria»; **American Academic & Scholarly Research Journal**, Vol. 4, No. 4, PP 57-64..

44. Olaf, Müller (2011) «Secularization, Individualization, or (Re)vitalization? The State and Development of Churchliness and Religiosity in Post-Communist Central and Eastern Europe», **Religion and Society in Central and Eastern Europe** 4 (1): 21-37.

45. Shanjendu Nath(2015) «Religion and Its Role in Society»; IOSR **Journal of Humanities and Social Science** (IOSR-JHSS)" ,Volume 20, Issue 11, Ver. I: PP 82-85.

46. Singh, Devinder Pal and Sharma, Maonjk (2010) «Regional cross cultural consumption differences within India», in: **Business and Emerging Markets**, Vol.2, No, 3, pp 267- 285.

47. Sushmit ،Nath (2007) «Religion Economic Growth and Development" Indira» **Gandhi Institute of Development Resaerch,** S Nath" Available at SSRN 1029285.

48. Taheri, Seyyed Mehdi (2016) «The Role of Religion in the Development of Communities: Comparison of Protestantism, Tokugawa and Islam», **Original scientific paper**: 37–55.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

49. Wonsub, Eum(2011) «Religion and Economic Development - A study on Religious variables influencing GDP growth over countries», University of California, Berkeley.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]